

Original Research

Investigating the effect of multiple intelligence on individual performance of top entrepreneurs

Mahdi Hosseinpour^{1*}, Hossein Karimi², Milad Bakhsham³, Atieh Khodaei⁴

¹Assistant Professor, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

^{2,3}MA Student, Department of Management and Entrepreneurship, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

⁴PhD Student, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Received: 05.09.2020

Revised: 12.07.2020

Accepted: 12.08.2020

Keyword:

Top Entrepreneurs
Multiple Intelligences
Individual Performance
Structural Equation Modeling
Kermanshah city

***Corresponding Author:**

Mahdi Hosseinpour

Email: m.hosseinpour@razi.ac.ir

ABSTRACT

The purpose of this study was to investigate the effect of multiple intelligence on the individual performance of top entrepreneurs in Kermanshah city. The present study was quantitative and applied in terms of purpose and descriptive-survey and correlational in terms of data collection. The statistical population included top entrepreneurs in Kermanshah city, numbered 55 people in the period 2011 to 2017 according to the Bureau of Labor, Welfare and Social Affairs, of which 40 were available and surveyed. In order to analyze the data in the descriptive statistics section, SPSS23 software was used and in the data analysis section, factor analysis and structural equation modeling in Amos software was employed. The results showed that there was a positive and significant relationship between entrepreneurs' multiple intelligence and their individual performance. Entrepreneurs could succeed in their workplace if they could survive in this turbulent world and this requires a thorough understanding of the external, economic, technological, political, and other factors to enable better individual performance. If entrepreneurs had high mathematical-logical and intrapersonal intelligence, they had the least error in their decision making and were more capable in making rational decisions, organizing and evaluating program effectiveness.

بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر

مهدی حسین پور^{۱*}، حسین کریمی^۲، میلاد بخشیم^۳، عطیه خدایی^۴

- ۱- استادیار، دپارتمان مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دپارتمان مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۳- دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر در شهر کرمانشاه است. این پژوهش، از لحاظ نوع، کمی و از نظر هدف، کاربردی است و به لحاظ گردآوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری، شامل کارآفرینان برتر شهر کرمانشاه است که طبق آمار اداره کار، رفاه و امور اجتماعی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ ۵۵ نفر هستند که از این تعداد ۴۰ نفر آنان در دسترس و مورد مطالعه بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی، از نرم‌افزار SPSS23 و در بخش تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد بین هوش چندگانه کارآفرینان و میزان عملکرد فردی آنها، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کارآفرینان زمانی می‌توانند در حوزه کاری خود موفق باشند و بتوانند در این جهان متغیر دوام آورند نیازمند این هستند که درک کاملی از عوامل بیرونی، اقتصادی، فناوری، سیاسی و ... داشته باشند تا بتوانند عملکرد فردی بهتری داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود کمترین خطا را داشته باشند که اگر از هوش ریاضی-منطقی و درون‌فردی بالایی برخوردار باشند، در زمینه اتخاذ تصمیمات منطقی، نظم و ترتیب در امور و ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها توانمندتر هستند.

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

بازنگری مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸

کلید واژگان:

کارآفرینان برتر
هوش چندگانه
عملکرد فردی
مدل‌سازی معادلات ساختاری
شهر کرمانشاه

*نویسنده مسئول: مهدی حسین پور

پست الکترونیکی:

m.hosseinpour@razi.ac.ir

مقدمه

در عصر حاضر، با توجه به پیشرفت علوم و فنون و پیدایش نیازها و معضلات جدید و بیکاری گسترده، نیاز به کارآفرینان بیشتر احساس می‌شود؛ از جمله راهکارهای مهم توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و مهم‌ترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری، افزایش بهره‌وری و افزایش درآمد مردم، افزایش کارایی اقتصادی می‌شود، نوآوری را به بازار کار و تولید می‌آورد، مشاغل جدید ایجاد می‌کند و وضعیت اشتغال را بهبود می‌بخشد (شین و ونکاتارامان^۱، ۲۰۰۰). شومپیتر^۲ معتقد است که کارآفرینی، موتور محرک اصلی در توسعه اقتصادی است و کارآفرین، کسی است که در کارش، نوآوری داشته باشد و ترکیب‌های تازه‌ای از مواد ایجاد کند (پالمار^۳، ۱۹۷۱). کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان فرایند استفاده طرح‌های ابتکاری خصوصی به‌منظور تبدیل مفهوم کسب‌وکار در یک سرمایه‌گذاری جدید یا به‌منظور رشد و تنوع در سرمایه‌گذاری‌ها یا واحدهای تجاری موجود با رشد و پتانسیل بالا تعریف شود (حسینی و کاظمی میانرودی، ۱۳۹۰). در دنیای رقابتی امروز، بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها بر این باورند که برای بقا در عرصه رقابتی کنونی باید به عملکرد فردی افراد، بیشتر توجه کنند؛ زیرا این منافع و عملکرد فردی سازمان، درگرو عملکرد فردی این افراد است (عسگری و همکاران، ۱۳۹۵). کسب‌وکار یک کارآفرین و نیز بقا و موفقیت آن، تا حد زیادی به عملکرد فردی کارآفرین وابسته خواهد بود. در واقع، عملکرد فردی، به مجموعه رفتارها و واکنش‌های فردی اشاره دارد که با اهداف کسب‌وکار، مرتبط می‌باشد. عملکرد فردی، مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هاست که از طرف افراد به‌منظور نیل به اهداف از پیش تعیین‌شده در سازمان یا کسب‌وکاری که در آن مشغول هستند انجام می‌گیرد. این عملکرد فردی، تابعی از دانش، مهارت، توانایی‌ها، قابلیت و انگیزش است (بدری آذرین و هوشنگ، ۱۳۹۶).

در عصر حاضر با توجه به پیشرفت علوم و فنون و پیدایش نیازها و معضلات جدید و بیکاری گسترده، نیاز به کارآفرینان بیشتر احساس می‌شود. اما کارآفرینانی موفق و کارا یا به‌اصطلاح عملکرد فردی خوبی خواهند داشت که دارای درجه هوشی بالا باشند؛ به‌خصوص این‌که این معنا، زمانی بااهمیت‌تر خواهد بود که هوش به‌عنوان عاملی برای موفقیت پذیرفته شود. موفقیت نیروی انسانی، در طول تاریخ، همیشه موردتوجه همگان، به‌ویژه اندیشمندان و محققان حوزه‌های مختلف بوده و همیشه این سؤال مطرح شده است که چه عامل یا عواملی باعث می‌شوند که عده‌ای نسبت به عده‌ای دیگر موفق‌تر باشند؟ از اواسط قرن نوزدهم، موضوع هوش و توانایی ذهنی بالای افراد موفق در کانون توجه محققان قرار گرفت و آن را عامل اساسی در موفقیت افراد می‌پنداشتند (صائمی، ۱۳۸۸). با توجه به اهمیت هوش؛ خصوصاً هوش‌های چندگانه برای عملکرد فردی بهتر کارآفرینان در ایجاد تفکر خلاق، کشف فرصت‌ها، تحلیل مشکلات و تأثیرات مثبت و مستقیم آنها بر عملکرد فردی، ضرورت آشنایی آنان با این مفهوم را بیش‌ازپیش طلب می‌کند. هوش، یکی از مقولاتی است که از دیرباز موردتوجه بشر بوده و یکی از مهم‌ترین عواملی است که تفاوت‌های فردی را ایجاد می‌کند و تفاوت‌های فردی نیز خود، منجر به بروز ویژگی‌های منحصربه‌فرد در افراد می‌شود (سیف، ۱۳۸۰). یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیتی که می‌تواند به افراد کارآفرین کمک کند هوش چندگانه است. امروزه، هوش به‌عنوان یک مزیت رقابتی و قابلیت استراتژیک شناخته می‌شود که در بازار به‌عنوان یک اهرم موردنیاز افراد (کارآفرینان) عمل می‌کند. افرادی که از سطح هوشی بالایی برخوردار باشند می‌توانند از تفاوت‌ها و تنوع‌ها برای ایجاد مزیت رقابتی استفاده کنند و اثر قابل‌توجهی بر راهبردهای مدیریتی، بازاریابی و توسعه محصول برای گروه‌های مشتریان در کشورهای مختلف داشته باشند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۱).

هنگامی که هوش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منظور رفتار و عملکرد فردی هوشمندانه است. بنابراین، به‌جای تفکر در مورد هوش باید رفتار هوشمندانه را تحلیل کرد. مبنای رفتار هوشمندانه باید نوعی دانش و اطلاعات درکلی‌ترین معنای

¹ Shane & Venkataraman

² Schumpeter

³ Palmer

آن باشد که به‌طور رسمی یا غیررسمی کسب شده‌اند. جنبه‌های دیگر هوش و رفتار هوشمندانه شامل سرعت در رسیدن به راه‌حل‌ها، پاسخ‌ها و توانایی حل مسئله است (فرانکوفسکی^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). گاردنر^۲ برای اولین بار در کتاب «قلب‌های ذهنی: نظریه هوش چندگانه» وجود حداقل هفت نوع هوش در هر فرد اشاره کرد و بعدها مورد هشتم را به آن افزود و آنها را تحت عنوان هوش‌های چندگانه، طبقه‌بندی کرد که این هشت بعد عبارتند از: هوش زبانی، هوش منطقی-ریاضی، هوش موسیقایی، هوش بدنی-جنبشی، هوش فضایی-دیداری، هوش فردی، هوش بین فردی و هوش طبیعت‌گرایانه (گاردنر، ۲۰۱۱). به‌طور کلی می‌توان اظهار داشت که بهترین حوزه مناسب برای مقایسه هوش چندگانه و عملکرد فردی، محیط کار است؛ زیرا فرد در محیط کار خود علاوه بر توانمندی‌های علمی، از سایر قابلیت‌های خود نیز استفاده می‌کند (بابایی و مومنی، ۱۳۸۴). هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر در شهر کرمانشاه می‌باشد؛ لذا پرسش اصلی پژوهش این است که هوش چندگانه چه تأثیری بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر شهر کرمانشاه دارد؟

هوش چندگانه

هوش، یکی از مقولاتی است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده و یکی از مهم‌ترین عواملی است که تفاوت‌های فردی را ایجاد می‌کند و تفاوت‌های فردی نیز منجر به بروز ویژگی‌های منحصر به فرد در افراد می‌شود (سیف، ۱۳۸۰). هنگامی که هوش مورد مطالعه قرار می‌گیرد، منظور رفتار و عملکرد فردی هوشمندانه است؛ بنابراین، به‌جای تفکر در مورد هوش باید رفتار هوشمندانه را تحلیل کرد. مبنای رفتار هوشمندانه باید نوعی دانش و اطلاعات در کلی‌ترین معنای آن باشد که به‌طور رسمی یا غیررسمی کسب شده‌اند. جنبه‌های دیگر هوش و رفتار هوشمندانه، شامل سرعت در رسیدن به راه‌حل‌ها، پاسخ‌ها و توانایی حل مسئله است (فرانکوفسکی و همکاران، ۲۰۰۶). یکی از انواع هوش‌هایی که دانشمندان مورد بررسی قرار داده‌اند، هوش‌های چندگانه است. هوارد گاردنر برای اولین بار به وجود حداقل هفت نوع هوش در هر فرد اشاره کرد و بعدها مورد هشتم را به آن افزود و آن‌ها را تحت عنوان هوش‌های چندگانه طبقه‌بندی کرد (فرج‌اللهی و بدیعی، ۱۳۹۲). نظریه هوش چندگانه را نخست‌بار هوارد گاردنر، روان‌شناسی تحولی در دانشگاه هاروارد، با توسل به شواهد متعدد، در کتاب «چارچوب‌های ذهنی» مطرح کرد، وی به هشت نوع هوش نسبتاً مستقل از هم پرداخت که به‌صورت خلاصه بیان می‌شود (گاردنر، ۲۰۱۱).

۱. هوش زبانی^۳: افراد باهوش زبانی بالا می‌توانند از لغات، هم در گفتار و هم در نوشتار، به‌گونه‌ای مؤثر استفاده کنند (یوگاتاما^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). این افراد می‌توانند زبان را برای کاربردهای مختلف از جمله متقاعد کردن دیگران برای انجام کاری خاص، به یاد آوردن اطلاعات و صحبت درباره خود زبان، به شیوه‌ای کارآمد به کار گیرند که با حساسیت به انواع زبان‌های گفتاری و نوشتاری مشخص می‌شود و بر مبنای توانایی یادگیری زبان و استفاده از زبان و گفتار خود، در راستای نیل به مقاصد شخصی است.

۲. هوش منطقی-ریاضی^۵: مربوط به ظرفیت‌هایی برای انجام عملیات ریاضی، تحلیل منطقی و بررسی‌های علمی، توانایی استفاده مؤثر از اعداد و توانایی استدلال بالا است. افراد باهوش ریاضی بالا در طبقه‌بندی، استنباط، تعمیم و محاسبه قوی هستند (پاشا شریفی، ۱۳۸۴).

¹ Frankovský

² Gardner

³ linguistic intelligence

⁴ Yogatama

⁵ logical -mathematical intelligence

۳. هوش موسیقایی^۱: استعداد، عملکرد فردی و درک الگوهای موسیقایی را تسهیل می‌کند. افرادی که دارای این هوش هستند، نسبت به ریتم و آهنگ از حساسیت بالایی برخوردارند و درک خوبی از موسیقی دارند (فخیمی آذر و نوروزی، ۱۳۹۲).

۴. هوش بدن-جنبشی^۲: استفاده از تمام یا قسمتی از بدن برای حل مسائل با ایجاد حرکات که این گروه هوشمندان، برای بیان ایده‌ها و احساسات خود از حرکات بدنی بهره می‌جویند (میچلاکی و بورنلی، ۲۰۱۶). این توانایی شامل مهارت‌های فیزیکی، مانند هماهنگی، انعطاف‌پذیری، سرعت، تعادل و غیره است (کوچاک^۳، ۲۰۱۹).

۵. هوش فضایی-دیداری^۴: مستلزم درک، به‌کارگیری و انتقال اطلاعات فضایی است. این هوش افراد را نسبت به شکل، فضا، رنگ و خط حساس می‌کند. افرادی که از نظر بصری بسیار باهوش هستند، توانایی تشخیص و به‌خاطر سپردن جزئیات خوب در تصاویر بصری را دارند و تجسم تصاویر سه‌بعدی برای این‌گونه افراد آسان است (سلوتا^۵ و همکاران، ۲۰۱۸).

۶. هوش فردی^۶: افراد را قادر خواهد ساخت تا تفاوت بین احساسات و امیال خود را تشخیص دهند و خودشان را درک کنند؛ به‌نحوی که این درک از خود به شیوه‌ای مؤثر برای مدیریت زندگی‌شان به کار می‌رود که همان هوش درون‌فردی است (نیکولینی^۷ و همکاران، ۲۰۱۰).

۷. هوش بین‌فردی^۸: توانایی درک خلق‌وخو، احساسات، انگیزه‌ها و اهداف دیگران، نشان‌دهنده این نوع هوش است (آرمسترانگ^۹، ۲۰۰۹). هوش بین‌فردی بالا موجب می‌شود که فرد با دیگران، واقع‌بینانه‌تر برخورد کند.

۸. هوش طبیعت‌گرایانه^{۱۱}: هوش طبیعت‌گرا آخرین نوع هوشی است که گاردنر در نظریه خود به هفت نوع قبلی افزود و با مقاومت و مخالفت بیشتری نسبت به بقیه روبه‌رو گردید. به گفته گاردنر، کسانی که هوش طبیعت‌گرای بالایی دارند، سازگاری بیشتری با طبیعت دارند و معمولاً به پرورش، کشف محیط و یادگیری درباره موجودات علاقه‌مندند. این افراد به‌سرعت از جزئی‌ترین تغییرات در محیطشان آگاه می‌شوند (آرمسترانگ، ۲۰۰۹).

عملکرد فردی

در دنیای رقابتی امروز، بسیاری از سازمان‌ها و شرکت‌ها بر این باورند که برای بقا در عرصه رقابتی کنونی باید عملکرد فردی افراد را بیشتر مورد توجه قرار دهند؛ زیرا این منافع و عملکرد فردی سازمان در گرو عملکرد فردی این افراد است (عسگری و همکاران، ۱۳۹۵). کسب‌وکار یک کارآفرین و نیز بقا و موفقیت آن تا حد زیادی به عملکرد فردی کارآفرین وابسته خواهد بود. از عملکرد در مبانی نظری مرتبط، تعاریف مختلفی ارائه شده است اما وجه اشتراک تمامی این تعاریف این است که عملکرد فردی به نحوه انجام وظایف و مسئولیت‌های محوله اشاره دارد (تام^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹). در واقع عملکرد فردی به مجموعه رفتارها و واکنش‌های فردی اشاره دارد که با اهداف کسب‌وکار مرتبط است. عملکرد فردی، مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌هاست که از طرف افراد به‌منظور نیل به اهداف از پیش تعیین‌شده در سازمان یا کسب‌وکاری که در آن مشغول هستند انجام می‌گیرد. این عملکرد

¹ Rhythmic /musical intelligence

² Bodily / kinesthetic intelligence

³ Michelaki & Bournelli

⁴ Koçak

⁵ visual / special intelligence

⁶ Slota

⁷ Interpersonal intelligence

⁸ Nicolini

⁹ Interpersonal intelligence

¹⁰ Armstrong

¹¹ Naturalist intelligence

¹² Tam

فردی، تابعی از دانش، مهارت، توانایی‌ها، قابلیت و انگیزش است (بدری آذرین و هوشنگ، ۱۳۹۶). در واقع افرادی که کار خود را به‌عنوان یک حرفه انجام می‌دهند عملکردشان، به‌مراتب، از کسانی که کار خود را به‌عنوان یک منبع درآمد مادی می‌پندارند بهتر خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت عملکرد فردی بر رفتار و کنش‌های کارآفرین تأثیرگذار است و این عملکرد بر نتیجه کنش و اقدامات فرد تأثیرگذار نیست و در کنار این موضوع باید به این نکته توجه داشت که این رفتارها باید در کنترل کارآفرین باشد و رفتارهایی که به‌وسیله محیط محدود شده‌اند در زمره این رفتارها قرار نمی‌گیرد.

از دیرباز، تمرکز اصلی عملکرد فردی بر عملکرد وظیفه‌ای بوده است که این موضوع، کارآمدی فرد را در انجام وظایف ذاتی و فنی شغل خودارزیابی می‌کند. رفتارهایی که برای توصیف عملکرد وظیفه‌ای نیز پیشنهاد شده‌اند عبارتند از: مهارت شغلی، دانش شغلی و کار از نظر کمی و کیفی. عملکرد فردی شامل سه مؤلفه بهره‌وری، انطباق‌پذیری و انعطاف‌پذیری است. بهره‌وری دربردارنده کارایی و کمیت کیفیت و محصول یا خدمت است. انطباق‌پذیری نیز دو بعد را شامل می‌شود: بعد اول، به شکلی نمادین در نظر گرفته می‌شود و شامل پیش‌بینی مسائل و ارائه راه‌حل‌های رضایت‌بخش و به‌هنگام برای آن‌ها و گشودگی نسبت به روش‌ها و فناوری‌های نوین قابل‌استفاده برای فعالیت‌های یک سازمان یا یک کسب‌وکار است. در کنار این موضوع بعد دوم نیز انطباق رفتاری به پذیرش راه‌حل‌ها و سرعت اعمال تغییرات اشاره دارد. بعد سوم عملکرد فردی نیز بیانگر سطح سازگاری و واکنش افراد نسبت به بحران و پیشامدهای نابه‌هنگام می‌باشد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۵). از نظر پاترسون و دریسکول^۱ عملکرد فردی را با چهار معیار رعایت نظم و انضباط، احساس مسئولیت، همکاری و بهبود در کار می‌سنجد (پاترسون و دریسکول، ۱۹۹۰). در پژوهش حاضر برای بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان استان کرمانشاه، نظریه هوش چندگانه هوارد گاردنر انتخاب گردید که به تفصیل انواع هوش‌های چندگانه گاردنر توضیح داده شد. همچنین برای متغیر عملکرد فردی نیز از ابعاد پیشنهادی پاترسون که شامل چهار معیار رعایت نظم و انضباط، احساس مسئولیت، همکاری و بهبود در کار است استفاده شده است. هوش، یکی از بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها در عملکرد فردی است و نشان داد بین هوش و عملکرد فردی برای مشاغل پیچیده رابطه قوی وجود دارد (اشمیت و هانتز^۲، ۲۰۰۴).

مطالعات پیشین

عسگری و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه خود نقش میانجی خلاقیت، نوآوری و سلامت روانی در تأثیر هوش معنوی بر عملکرد فردی کارکنان را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد هوش معنوی بر نوآوری، خلاقیت و عملکرد تأثیر معناداری می‌گذارد و از میان متغیرهای میانجی بررسی شده نیز، تنها تأثیر خلاقیت معنادار است. بر این اساس، تقویت هوش معنوی می‌تواند زمینه مناسبی برای بهسازی پیشایندهای بررسی شده در عملکرد فردی داشته باشد.

فخیمی‌آذر و نوروزی (۱۳۹۲) به بررسی رابطه بین هوش چندگانه با خودکارآمدی عمومی کارکنان واحدهای تولیدی، بازرگانی و صنعتی استان آذربایجان شرقی پرداخته‌اند که نتایج مطالعه حاکی از آن است که بین هوش چندگانه و خودکارآمدی کارکنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

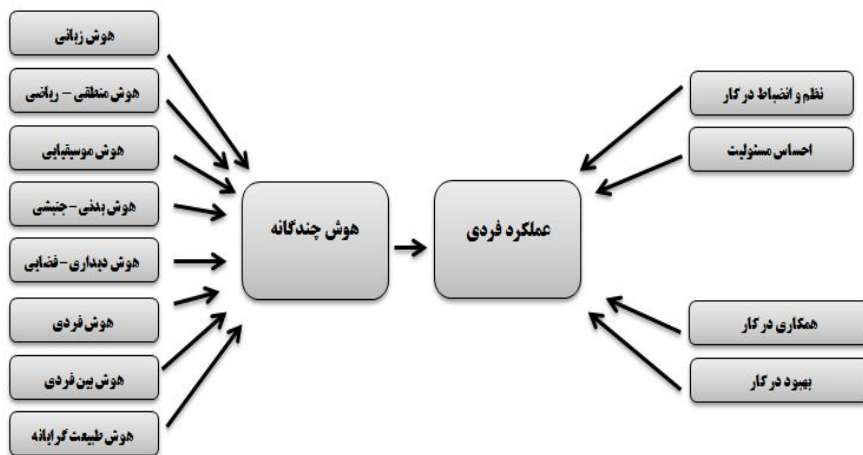
رحیمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مطالعه خود با عنوان «رابطه هوش چندگانه مدیران با اثربخشی سازمانی شرکت گاز در آذربایجان شرقی» نشان دادند که بین هوش چندگانه مدیران و اثربخشی سازمانی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

¹ Paterson & Driscoll

² Schmidt & Hunter

نتایج پژوهش عبدالقدیر^۱ و همکاران (۲۰۱۳) نشان داد بین هوش چندگانه با بسیاری از مهارت‌های مدیریتی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

دمیرال^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی رابطه بین هوش چندگانه و رفتار کارآفرینی در ترکیه، نشان دادند مهارت‌های چندگانه هوش، تأثیر قابل توجهی در رفتار و ایده‌های کارآفرینان دارد. ویلسون و مجتبی^۳ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای درباره رابطه هوش چندگانه با رهبری اشاره دارند که هوش چندگانه، مفاهیم برجسته‌ای برای مؤثر بودن، انتخاب، آموزش و پیشرفت رهبر را در بردارد هوش و استعداد به رهبری مؤثر کمک می‌کند و رهبران مؤثر دارای اشکال چندگانه هوش هستند. با توجه به اهداف پژوهش و فرضیه‌ها، مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل ۱ طراحی شد:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

مواد و روش تحقیق

هنگامی که هدف از انجام پژوهش، استفاده از نتایج و یافته‌ها در حل مسائل موجود باشد، آن را پژوهشی کاربردی می‌نامیم. پژوهش حاضر از لحاظ نوع کمی و از نظر هدف کاربردی است و به لحاظ گردآوری اطلاعات، توصیفی- پیمایشی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کارآفرینان برتر در حوزه‌های مختلف در شهر کرمانشاه بود که بر اساس آمار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی تعداد این کارآفرینان برتر در شهر کرمانشاه از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ حدود ۵۵ نفر بود که در زمینه‌های مختلف (حوزه فناوری اطلاعات، فناوری ارتباطات و اطلاعات، کشاورزی، خدمات و ...)، مشغول فعالیت بودند که از این تعداد ۴۰ نفر از آنها در دسترس و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد هوارد گاردنر و پرسشنامه عملکرد فردی بود که از طریق مصاحبه حضوری با پاسخگویان توزیع و تکمیل گردید. پرسشنامه شامل سه بخش: بخش اول مشخصات فردی و حرفه‌ای و بخش دوم مربوط به سؤالات هوش چندگانه گاردنر،

¹ Abdul Kadir

² Demirel

³ Wilson & Mujtaba

شامل ۴۰ سؤال و بخش سوم نیز مربوط به سؤالات عملکرد فردی که شامل ۱۶ پرسش بود. که با طیف ۵ گزینه‌ای: کاملاً موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم سنجیده شد. متخصصان و اعضای هیئت‌علمی گروه مدیریت و کارآفرینی دانشگاه رازی کرمانشاه، دقت شاخص‌ها و گویه‌ها در پرسشنامه یا روایی صوری پرسشنامه را بررسی و تأیید کردند. برای بررسی پایایی ابزار پژوهش، پرسشنامه‌ها در اختیار تعدادی از کارآفرینان قرار گرفت و نتایج آن بررسی و آلفای کرونباخ آن ۷۷/۸ درصد به دست آمد. با توجه به ماهیت پژوهش در این مطالعه داده‌ها توصیف و تحلیل شده‌اند. در بخش توصیف اطلاعات از آماره‌های توصیفی، از نرم‌افزار SPSS20 و در بخش تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار Amos20 برای دستیابی به عوامل کلیدی استفاده شده است. مدل‌سازی معادله‌های ساختاری رویکردی است شامل دو مرحله، یعنی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری هست.

در مرحله اول، یعنی مدل اندازه‌گیری به بررسی روایی (اعتبار)، پایایی (اعتماد) و برازش متغیرهای مکنون پژوهش با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) پرداخته می‌شود. در این مرحله از مقدار t و میانگین وارپانس استخراج‌شده (AVF) برای بررسی روایی و از پایایی ترکیبی (CR) و ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری استفاده شد. چنانچه مقدار t در سطح یک یا پنج درصد معنی‌دار باشد، مقدار AVE بالاتر از ۰/۵، مقدار CR بالاتر از ۰/۶ و ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ باشد، روایی و پایایی ابزار پژوهش مناسب و قابل قبول هست. در مرحله دوم، توسط مدل ساختاری به ارزیابی فرضیه‌ها در مورد رابطه بین متغیرهای پنهان پژوهش پرداخته می‌شود. برای ارزیابی برازندگی مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از پژوهش در بخش آمار توصیفی حاکی از آن بود که از تعداد ۴۰ کارآفرین برتر شهر کرمانشاه که به پرسشنامه‌ها پاسخ داده بودند؛ بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت مرد با ۷۷/۵ درصد و با سابقه کاری ۱۰ سال به بالا و تحصیلات کارشناسی می‌باشد که در حوزه فناوری اطلاعات و بخش صنایع با فراوانی ۳۵ درصد مشغول فعالیت و کارآفرینی بودند. در بخش آمار استنباطی با استفاده از روش معادلات ساختاری، فرضیات بررسی شدند.

جدول ۱. توزیع فراوانی جامعه آماری برحسب حوزه کارآفرینی

متغیر	تعداد	درصد	
حوزه کارآفرینی	فناوری اطلاعات	۱۴	۳۵
	کشاورزی	۸	۲۰
	صنعت	۱۴	۳۵
	خدمات	۲	۵
	سایرین	۲	۵
جنسیت	مرد	۳۱	۷۷/۵
	زن	۹	۲۲/۵
سابقه کار	۴ سال و پایین‌تر	۱۱	۲۷/۵
	۵ تا ۹ سال	۱۴	۳۵
	۱۰ سال و بالاتر	۱۵	۳۷/۵
تحصیلات	کارشناسی	۲۳	۵۷/۶
	کارشناسی ارشد	۱۷	۴۲/۴

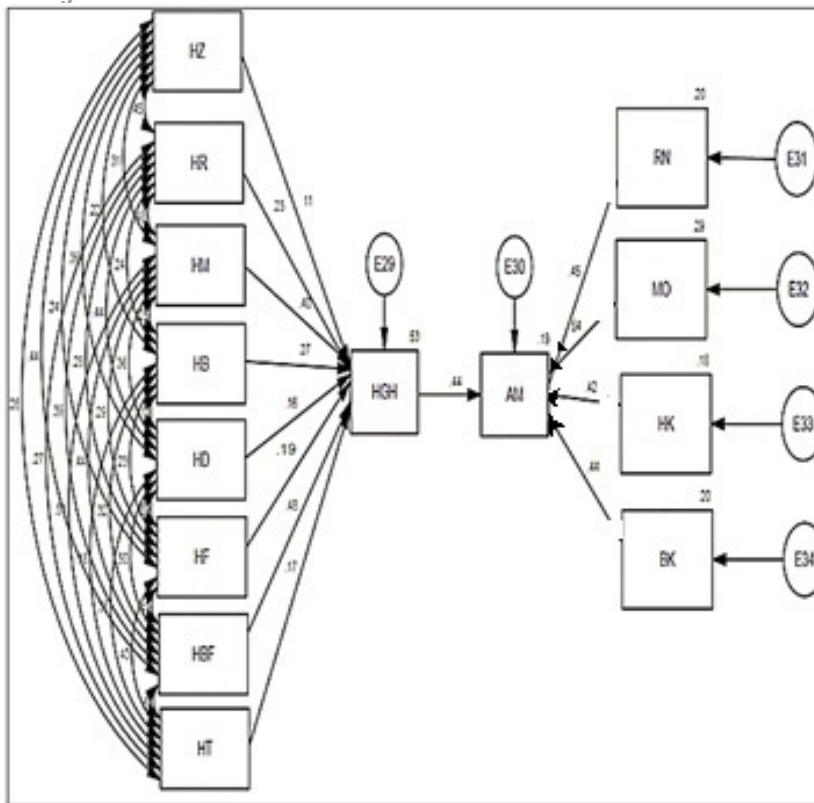
مدل‌سازی معادلات ساختاری

در این پژوهش به منظور مطالعه بررسی تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی کارآفرینان برتر از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با به‌کارگیری نرم‌افزار Amos Graphic استفاده شد. برای ارزیابی برازش مدل معادلات ساختاری چندین شاخص برازندگی وجود دارد. در این پژوهش، از شاخص‌های کای‌اسکویر (X^2) به همراه معنی‌داری آن (P)، شاخص کای‌اسکویر بر درجه آزادی (X^2/df)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص نرم‌نشده برازندگی (NNFI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، ریشه میانگین مجذور خطای تخریب (RMSEA) و شاخص میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها (RMR) برای ارزیابی برازندگی مدل معادلات ساختاری پژوهش استفاده شد. هم‌اکنون معیار دقیقی برای این شاخص‌ها وجود ندارد، اما دستورالعمل کلی زیر در ادبیات مطرح شده است: اگر مقدار X^2 معنی‌دار نباشد، مقدار کای‌اسکویر بر درجه آزادی کم‌تر از ۳ باشد، مقدار شاخص‌های GFI، NNFI، IFI و CFI بالاتر از ۰/۹۰ باشند، مقدار RMSEA کم‌تر از ۰/۰۸ و مقدار RMR کم‌تر از ۰/۰۵ باشد، برازش مدل، مناسب و قابل قبول است. مدل مفهومی پژوهش با توجه به مطالعات انجام‌شده به صورت زیر طراحی گردید. هوش چندگانه کارآفرینان به‌عنوان متغیر مستقل و عملکرد فردی به‌عنوان متغیر وابسته تحت تأثیر اثرات هوش چندگانه می‌باشد در نظر گرفته شده است.

بر این اساس، با توجه به مقدار گزارش شده شاخص‌های برازندگی مشاهده می‌شود که داده‌ها از لحاظ آماری با ساختار عاملی مدل معادلات ساختاری متغیرهای نهفته پژوهش سازگاری و تطابق دارند. بنابراین، مدل معادلات ساختاری پژوهش از برازش مناسب و قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۲. معیارهای برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

مقدار گزارش شده	معیار مطلوب	مفهوم	نام کامل شاخص برازش	علامت اختصاری
۲/۹۵	۳ و کم‌تر	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)	X^2/df
۰/۴۹	کوچک‌تر از ۰/۰۵	شاخص بهنجار نسبی	Chi-degree freedom	RMR
۰/۹۷	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازش افزایشی	incremental fit index	GFI
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازش نرمال شده	Normed Fit Index	AGFI
۰/۹۵	۰/۹ و بالاتر	شاخص نیکویی برازش	Goodness of fit	NFI
۰/۸۹	۰/۹ و بالاتر	شاخص نیکویی برازش تعدیل‌یافته	Adjusted Goodness of Fit	NNFI
۰/۹۲	۰/۹ و بالاتر	شاخص برازش مقایسه‌ای	Comparative Fit Index	CFI
۰/۷۹	کوچک‌تر از ۰/۰۸	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)	RMSEA



شکل ۲. پارامترهای استاندارد شده مدل

جدول ۳. مسیر فرضیه و بار عاملی هر متغیر

مسیر فرضیه	مقدار بحرانی	سطح معناداری	ضریب تأثیر	نتیجه فرضیه
هوش زبانی - هوش چندگانه	۲/۲۰۳	۰/۰۲۲	۰/۱۱	تأیید
هوش منطقی - هوش چندگانه	۲/۲۴۵	۰/۰۲۵	۰/۲۳	تأیید
هوش موسیقایی - هوش چندگانه	۳/۸۹۷	۰/۰۰۰	۰/۴۰	تأیید
هوش بدنی-هوش چندگانه	۲/۷۴۹	۰/۰۴۰	۰/۳۷	تأیید
هوش دیداری - هوش چندگانه	۱/۴۶۶	۰/۰۱۳	۰/۱۶	تأیید
هوش فردی - هوش چندگانه	۲/۳۶۲	۰/۰۲۷	۰/۱۹	تأیید
هوش بین فردی - هوش چندگانه	۳/۷۵۷	۰/۰۰۰	۰/۴۸	تأیید
هوش طبیعت‌گرایانه - هوش چندگانه	۳/۶۲۰	۰/۰۰۵	۰/۱۷	تأیید
نظم و انضباط در کار - عملکرد فردی	۵/۵۳۶	۰/۰۰۰	۰/۴۵	تأیید
احساس مسئولیت در کار - عملکرد فردی	۴/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۵۴	تأیید
همکاری در کار - عملکرد فردی	۴/۲۴۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲	تأیید
بهبود در کار - عملکرد فردی	۴/۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۴۴	تأیید
هوش چندگانه - عملکرد فردی	۴/۲۲۵	۰/۰۰۰	۰/۴۴	تأیید

نتایج جدول ۳ بیانگر این است که کلیه بارهای عاملی، تفاوت معنادار با صفر دارند. همچنین مقدار P مربوط به ضریب ساختاری نیز کمتر از ۰/۰۵ و معنادار و مقدار بحرانی (CR) بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی ۱/۹۶ هست؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که همه شاخص‌های جزئی برازش، مورد تأیید می‌باشند و میزان تأثیر هریک از عوامل هوش بر هوش چندگانه به ترتیب؛ هوش زبانی با ۰/۱۱، هوش منطقی - ریاضی ۰/۲۳، هوش موسیقایی ۰/۴۰، هوش بدنی - جنبشی ۰/۲۷، هوش دیداری ۰/۱۶، هوش فردی ۰/۱۹، هوش بین فردی ۰/۴۸ و در نهایت هوش طبیعت‌گرایانه به میزان ۰/۱۷ درصد است.

اما به صورت کلی؛ میزان ضریب تأثیر هوش چندگانه بر عملکرد فردی برابر با ۰/۴۴ است و با توجه به این که مقدار سطح معناداری (P) از ۰/۰۵ کمتر (۰/۰۰۰) و مقدار بحرانی (CR) برابر با ۴/۲۲۵ بیشتر از محدوده قابل قبول یعنی ۱/۹۶ است، می‌توان ادعا کرد که فرضیه پژوهش در نمونه پژوهش، تأیید می‌شود و در نهایت، هوش چندگانه، بر عملکرد فردی، تأثیر دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، اکثر سازمان‌ها و افراد، هوش را مزیتی رقابتی و قابلیت استراتژیک می‌دانند. در محیط و بازار جهانی، هوش، اهم مورد نیاز رهبران و مدیران تلقی می‌شود. سازمان‌ها و مدیرانی که ارزش استراتژیک هوش را درک کنند، می‌توانند از تفاوت‌ها و تنوع‌ها برای ایجاد مزیت رقابتی و برتری در بازار جهانی استفاده کنند. افراد دارای هوش بالا در کسب و کار، قادرند اثر قابل توجهی بر راهبردهای مدیریتی، بازاریابی و توسعه محصول برای گروه‌های مشتریان در کشورهای مختلف داشته باشند. این افراد جزو دارایی‌های ارزشمند سازمان هستند و به خصوص در زمان بحران، ارزش خود را بیشتر نمایان می‌سازند. در این پژوهش، به بررسی رابطه بین هوش چندگانه کارآفرینان و عملکرد فردی آنها پرداخته شد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد بیشتر پاسخگویان از نظر جنسیت، مرد ۷۷/۵ درصد که دارای سابقه کاری ۱۰ سال به بالا (۳۷/۵) و با میزان تحصیلات کارشناسی (۵۷/۶) درصد بودند که در زمینه فناوری اطلاعات و صنعت با (۰/۳۵ درصد) به عنوان کارآفرین برگزیده انتخاب شدند. با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که بین هوش چندگانه کارآفرینان و میزان عملکرد فردی آنها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و میزان تأثیر به دست آمده ۴۴ درصد است که با یافته‌های عبدالقدیر و همکاران، ۲۰۱۳؛ ویلسون و مجتبی، ۲۰۱۰؛ هانتر و اشمیت، ۱۹۹۸؛ فخمی آذر و نوروزی، ۱۳۹۳؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ صادقی، ۱۳۸۷؛ همخوانی دارد.

از مهارت‌های تضمین‌کننده موقعیت کارآفرینان و مدیران، داشتن مهارت‌های روابط انسانی و مهارت برقراری ارتباط با دیگران است که مهارت انسانی رابطه قوی با هوش چندگانه برون فردی، هوش کلامی و هوش موسیقایی دارد. یکی از مهارت‌هایی که کارآفرین باید کسب کند، مهارت در کار کردن با انسان‌ها است و برای این که بتواند در شمار یکی از اعضای مؤثر محیط فعالیت خود درآمده و بین اعضای تحت رهبری خود، همکاری و تفاهم به وجود آورد، باید به حد کافی از مهارت انسانی بهره‌مند باشد. کارآفرینانی که هوش کلامی، موسیقایی و برون فردی بالاتری دارند، در ایجاد و استقرار روابط انسانی مؤثر در بین افراد زیر دست خود توانمندترند. کارآفرینانی که در حوزه‌های مختلف مشغول به فعالیت هستند نیازمند فراگیری مهارت‌های فنی نیز می‌باشند که این مهارت‌ها نیز از طریق هوش دیداری - فضایی و جسمی - حرکتی، قابل اکتساب است و این مهارت با این هوش‌ها رابطه قوی دارد. کارآفرینان زمانی می‌توانند در کار و حوزه کاری خود موفق باشند و بتوانند در این جهان متغیر دوام آورند نیازمند این هستند که درک کاملی از عوامل بیرونی، اقتصادی، فناوری، سیاسی و ... داشته باشند تا بتوانند عملکرد فردی بهتری داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های خود کمترین خطا را داشته باشند که اگر از هوش ریاضی - منطقی و درون فردی بالایی برخوردار باشند، در زمینه اتخاذ تصمیمات منطقی، نظم و ترتیب در امور و ارزیابی اثربخشی

برنامه‌ها توانمندتر هستند. بنابراین با توجه به رابطه بین عملکرد فردی و هوش چندگانه پیشنهاد می‌شود برای اینکه کارآفرینان بیشتری در شهر کرمانشاه داشته باشیم، برنامه‌هایی در زمینه تقویت هوش‌های چندگانه ارائه شود تا بتوانند تحلیل درستی از محیط خود داشته، در تصمیمات خود در کسب‌وکار، کمتر اشتباه کنند و در کار و حرفه خود عملکرد فردی بهتری داشته باشند.

Reference

1. Ariana, Azadeh; Dastyar, Zahra; Tavasoli, Ali. (2019). The Role of Women Entrepreneurs in the Development and Transformation of the Country: A Case Study of Hormozgan Province. *Karafen Scientific-Research Quarterly*, 16 (46), 101-120.
2. Babaei, Mohammad Ali; Momeni, Nona. (2005). The effect of emotional intelligence on the effectiveness of managers. *Journal of Tadbir*, No. 166.
3. Badri Azrin, Yaqub; Houshang, Tahir. (2017). Relationship between cultural intelligence and individual performance of the staff of the Directorate of Sports and Youth of East Azerbaijan Province. *Journal of Sports Management*, 9 (1), 55-70.
4. Pasha Sharifi, Hussein. (2005). Preliminary study of Gardner's theory of multiple intelligences, in the field of subjects and student adaptation. *Educational Innovations*, 4 (11), 11-34.
5. Jalali, Tayebbeh; Enayati, Taraneh. (2017). Investigating the Relationship between Competitive Intelligence and Organizational Entrepreneurship in Technical and Vocational University (Case Study: Al-Zahra Technical College). *Karafen Scientific-Research Quarterly*, 14 (41), 87-103.
6. Rahimi, Gholamreza; Nowruz, Mohammad Reza; Quick Pen, Narcissus. (2012). Investigating the relationship between managers' multiple intelligences and organizational effectiveness of East Azerbaijan Gas Company. *Management Quarterly*, 9 (25), 21-34.
7. Seif, Ali Akbar. (2001). Nursing psychology, learning and teaching psychology. Informed Publications, First Edition.
8. Saemi, Hussein. (2009). The need to cultivate emotional intelligence in children. *Journal of Bonding*, No. 364, 21-34.
9. Asgari, Nasser; Hamidzadeh, Ali; Abedi, Reza (2016). The mediating role of creativity, innovation and mental health in the effect of spiritual intelligence on individual performance of employees. *Public Administration*, 8 (3), 533-552.
10. Fakhimi Azar, Sirius; Nowruz, Mohammad Reza (2013). Investigating the relationship between multiple intelligence and general self-efficacy of employees in production, commercial and industrial units of East Azerbaijan Province. *Productivity Management (Beyond Management)*, 7 (26), 175-195.
11. Farajollahi, Mehran; Badei, Elaheh. (2013). A comparative study of the effect of education on the academic achievement of high school students with conventional combined learning approaches and combined learning based on Gardner's linguistic and logical-mathematical intelligences. *Interdisciplinary Journal of Virtual Education in Medical Sciences*, 4 (4).
12. Hosseini, Jamal; Kazemi Mianroudi, Fatemeh. (2011). The role of information and communication technology in entrepreneurship development. *Amirkabir Entrepreneurs Monthly*, Year 2 (8), 12-20.
13. Loghmanpour zarini, Rasoul; Nabipour aghzavi, Hasan; Hayati, Amir. (2019). Study of the relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence with academic achievement motivation and its comparison in male and female students of Mazandaran University of Technology and Vocational Education. *Karafen Scientific-Research Quarterly*, 16 (46), 275-288.
14. Abdul Kadir, O., Muhammad Iskandar, H., & Baharom, A. R. (2013). The relationship between multiple intelligence and managerial competencies. *Journal of Basic and Applied Sciences*, 7(10), 286-297.
15. Armstrong, T. (2009). Multiple intelligences in the classroom 3rd edition. *Alexandria, Virginia USA: ASCD*.
16. Demirel, E. T., Dusuncan, M., & Olmez, M. (2012). The impact of areas of multiple intelligence on entrepreneurial behavior. *African Journal of Business Management*, 6(1), 415-421.
17. Frankovský, M., Stefko, R., & Baumgartner, F. (2006). Behavioral-situational approach to examining social intelligence. *Studia Psychologica*, 48(3), 251.
18. Gardner, H. (2011). *Frames of mind: The theory of multiple intelligences*. Hachette Uk.

19. Koçak, Ç. V. (2019). The relationship between attitude towards sports and bodily-kinesthetic intelligence in university students of sport science. *Physical Education of Students*, 23(3), 147-154.
20. Michelaki, E., & Bournelli, P. (2016). The Development of Bodily-Kinesthetic Intelligence through Creative Dance for Preschool Students. *Journal of Educational and Social Research*, 6(3), 23.
21. Nicolini, P., Alessandri, G., & Bilancioni, G. (2010). Web-Ob for multiple intelligences observation. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 728-732.
22. Palmer, M. (1971). The application of psychological testing to entrepreneurial potential. *California Management Review*, 13(3), 32-38.
23. Paterson, J. M., & O'Driscoll, M. P. (1990). An empirical assessment of Kanungo's (1982) concept and measure of job involvement. *Applied Psychology*, 39(3), 293-306.
24. Schmidt, F. L., & Hunter, J. (2004). General mental ability in the world of work: occupational attainment and job performance. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(1), 162.
25. Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217-226.
26. Slota, M., McLaughlin, M., Bradford, L., Langley, J. F., & Vittone, S. (2018). Visual intelligence education as an innovative interdisciplinary approach for advancing communication and collaboration skills in nursing practice. *Journal of Professional Nursing*, 34(5), 357-363.
27. Tam, C., Loureiro, A., & Oliveira, T. (2019). The individual performance outcome behind e-commerce. *Internet Research*, 30(2), 439-462.
28. Wilson, S. D., & Mujtaba, B. G. (2010). The relationship between leadership and multiple intelligences with the 21st century's higher education faculty. *The Journal of Applied Business and Economics*, 11(3), 106.
29. Yogatama, D., d'Autume, C. de M., Connor, J., Kocisky, T., Chrzanowski, M., Kong, L., Lazaridou, A., Ling, W., Yu, L., & Dyer, C. (2019). Learning and evaluating general linguistic intelligence. *ArXiv Preprint ArXiv:1901.11373*.